

بن مایه مسیح‌باوری در اپوکریفای عهد عتیق

جواد باغبانی آرانی^۱

چکیده

مسیح‌باوری به عنوان یک اندیشه و موضوعات پیرامونی آن، یکی از دغدغه‌های مهم یهودیان است. نگاه یهود به این موضوع، همچون آموزه‌های دیگر، در چارچوب ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و دینی این آیین است. موعودباوری یهودیان، رنج درازمدت آنان در طول تاریخ را تحمل‌پذیر کرده است. آنان پیوسته به این موعود دل بسته و در نوشته‌های مقدس خود از او با واژه «مسیحا» نام می‌برند. این واژه، از کلمه «ماشیح» در زبان عبری گرفته شده که به معنای «مسح شده» است. گرچه ماشیح لقبی برای پادشاهان قدیم بنی اسرائیل بوده، در زمان‌های بعد به پادشاه آرمانی یهود اطلاق شده است.

«تنخ» که مسیحیان به آن عهد عتیق گویند، کتاب مقدس یهودیان است. آنان در کنار عهد عتیق، از مجموعه بزرگی به نام «تلمود» نیز بهره می‌برند که بسیاری از جزئیات اعتقادی و احکام خود را از آن وام گرفته‌اند. در میان متون دینی یهودیان، مجموعه نسبتاً بزرگ دیگری به نام «اپوکریفا» وجود دارد که در حدود سه قرن، نزد برخی یهودیان حجت دانسته می‌شد. این نوشتار درصدد است تا بن‌مایه و خاستگاه مسیح‌باوری قوم یهود را در کتاب‌های اپوکریفایی بررسی کند. این بررسی نشان می‌دهد که کتاب‌های اپوکریفایی در اندیشه مسیح‌باوری، از عهد عتیق تأثیر پذیرفته‌اند و از میان خاستگاه‌های متعدد مسیح‌باوری در عهد عتیق، به خاستگاه شهر «اورشلیم» اهمیت بیشتری داده شده است.

واژگان کلیدی

مسیحا، برگزیدگی، ارض مقدس، یونانی مآبی، عهد عتیق، اپوکریفا.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) قم (Arani@qabas.net).

مقدمه

اندیشه منجی موعود، همواره از فراگیرترین دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های بشر بوده است. او در پرتو این اندیشه توانسته است محنت‌های سخت زندگی دنیا را هموار کند و با امید و نشاط از دردها، درمان و از تهیدها، فرصت بسازد. گذشت زمان و تأخیر در دستیابی به موعود، نه تنها شعله این امید را فروکش نکرده و به خاموشی نگراییده، هرروز پرفروغ‌تر از گذشته به زندگی بشر گرما بخشیده و راه پرفراز و نشیب حیات دنیوی او را هموار کرده است.

ارزیابی و نگاه ادیان و ملل از این اندیشه به گونه‌ای است که در چارچوب دینی و فرهنگی ویژه همان دین و ملت معنا پیدا کند و اهداف آن را برآورده سازد. افزون بر تعدد نگاه ادیان مختلف به این موضوع، در درون یک دین نیز با شکل‌های متعددی از این اندیشه روبه‌رو هستیم.

تنوع نگاه ادیان و ملل به اندیشه یادشده، ریشه در تنوع سرچشمه‌ها و خاستگاه‌ها دارد. با پذیرش کثرت و اختلاف بن‌مایه‌های اندیشه مسیحاباوری، نتایج به دست آمده نیز می‌تواند گوناگون باشد؛ گاه این اندیشه در جامعه، مثبت و سازنده تلقی می‌شود و باید در پی این بود که برای بهبود جامعه چه طرحی دارد و گاه منفی و زیانبار تحلیل می‌شود و باید برای کاستن از آثار آن چاره‌ای اندیشید؛ گاه صلح جهانی یا جنگ جهانی را به دنبال می‌آورد؛ و گاه یاور اندیشه جهانی شدن یا دشمن آن می‌شود.

نوشته پیش‌روی در پی آن است تا بن‌مایه و خاستگاه مسیحاباوری را در یهود بررسی کند. عهد عتیق اگرچه به عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین منبع برای مطالعه و بررسی آموزه‌های یهود، از جمله مسیحاباوری به شمار می‌رود، اما بن‌مایه و خاستگاه اندیشه منجی موعود، افزون در عهد عتیق، در بخشی از نوشته‌هایی به نام «اپوکریفا» که قرون متمادی برای یهودیان حجیت داشت نیز قابل بررسی است.

در این نوشتار در پی آنیم که آیا اندیشه یادشده برخاسته از وعده و پیمان‌های یهوه، خدای یهودیان، به بنی اسرائیل است و از اندیشه برگزیدگی بنی اسرائیل تأثیر پذیرفته است، یا تنها از امیدی روان‌شناختی سرچشمه می‌گیرد که در هنگامه محنت‌ها و آوارگی‌های این قوم پدید آمده است؟ آیا در مسیحاباوری یهودیان، یک بشر ظهور می‌کند، یا وضعیتی ویژه از نظر سیاسی، اجتماعی و معنوی رخ می‌دهد؟ آیا شرایط و اوضاع خاص سیاسی و اجتماعی یهودیان آنان را به این اندیشه ملتزم ساخته است، یا این آرمان خاستگاه دیگری دارد؟ و آیا خاستگاه این اندیشه، واحد است، یا همه موارد یادشده را می‌تواند دربرگیرد؟

اپوکریفا

کتاب مقدس مسیحیان، شامل دو بخش عهد عتیق و عهد جدید است. مسیحیان درباره عهد جدید، بر ۲۷ کتاب اجماع دارند، اما درباره عهد عتیق، چنین اجماعی برای آنان حاصل نشده است. کتاب‌های اپوکریفایی، دربرگیرنده بخشی از میراث دینی بنی اسرائیل است که پیشینه آن به بیش از دوهزار سال می‌رسد. این مجموعه حدود دو و نیم قرن پیش از میلاد و تحت تأثیر فرهنگ و فلسفه یونان پدید آمد. در این زمان، ۷۲ یهودی عهد عتیق را از زبان عبری به زبان یونانی ترجمه کردند که بعداً به «ترجمه سبعینیه»^۱ معروف شد. ترجمه یادشده، شامل رساله‌هایی است که در متن عبری عهد عتیق یافت نمی‌شود و تمام یا اکثر آنها را بنی اسرائیل در زمان‌های بعد نوشته‌اند و فضای برخی از آنها، متأثر از فرهنگ یونانی است. یک مجموعه ده‌گانه از اپوکریفا عبارت‌اند از:

۱. کتاب طوبیت؛

۲. کتاب یهودیت؛

۳. کتاب اِسْتَر؛

۴. کتاب حکمت سلیمان نبی؛

۵. کتاب حکمت یسوع بن سیراخ؛

۶. کتاب باروک؛

۷. رساله اِرمیا؛

۸. کتاب دانیال نبی؛

۹. کتاب اول مکابیان؛

۱۰. کتاب دوم مکابیان.

یهودیان در قرن اول میلادی در شهر یاؤنه، این رساله‌ها را به سبب نداشتن اصل عبری رد کردند که بعداً به «اپوکریفا»^۲ یعنی «پنهان» شهرت یافت. مسیحیان درباره حجیت یا عدم حجیت این کتاب‌ها دو دسته‌اند: کاتولیک‌ها و ارتدکس‌ها، بخش مهمی از آن را ضمن عهد عتیق پذیرفتند و آنها را کتاب‌های «قانونی ثانوی»^۳ نام نهادند؛ اما پروتستان‌ها، در الهامی بودن این رساله‌ها تردید نمودند و آنها را از عهد عتیق کنار گذاشتند. اگرچه یهودیان و

1. Septuagint.

2. Apocrypha.

3. Deuterocanonical.

پروتستان‌ها کتاب‌های اپوکریفایی را رد کردند، اما همواره به آن رجوع می‌کنند. در تعداد و ترتیب این کتاب‌ها اختلاف وجود دارد و برخی از آنها دارای نسخه‌های گوناگونی است (ترجمه رسول‌زاده و باغبانی، ۱۳۸۳: ۸).

اپوکریفا بازتاب تدین و تمدن^۱

تأثر متون ادیان مختلف، از شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی حاکم بر جوامعی که آن متن در آن به نگارش درآمده است، امری طبیعی است؛ تا آن‌جا که شرایط مذکور می‌تواند تعیین کند که چه موضوعاتی در آن متون بیاید و چه موضوعاتی نیاید. یهود و نوشته‌های منسوب به آن نیز از این امر مستثنا نیست. نویسنده کتاب انتظار مسیحا در این باره می‌نویسد:

چند کلمه هم در باب گرایشی بگویم که سال‌ها از عمر آن می‌گذرد و می‌کوشد ریشه افکار و عقاید یهودی را در افکار و اعمال ملت‌های باستانی جست‌وجو کند. درست است که یهود نیز مانند سایر اقوام، تحت تأثیر محیط قرار داشته و پس از تماس با برخی تمدن‌های باستانی، خواسته یا ناخواسته، بسیاری از مفاهیم و اعمال آنها را وام گرفته‌اند، ولی باید توجه داشت که آنان پیوسته و در تمام موارد، مسائل یادشده را به رنگ اخلاقیات توحیدی خاص خویش درمی‌آورده‌اند (گرینستون، ۱۳۷۷: ۳۸).

اندیشه مسیحاباوری، از محوری‌ترین موضوعاتی است که در نوشته‌های مقدس یهودیان یافت می‌شود. کتاب‌های اپوکریفایی، از جمله نوشته‌هایی است که سال‌ها در میان یهودیان حجیت و اعتبار داشته و هنوز هم به آن مراجعه می‌کنند. این کتاب‌ها از یک سو پیوستگی نزدیک با سنت دینی پیش از خود دارند و از سوی دیگر، متأثر از فضای فرهنگی حاکم در زمان تدوین‌اند. عهد عتیق از آن سنت دینی حکایت می‌کند و تمدن یونانی بر آن فضا تأثیر عمیق گذاشته است. بنابراین، کتاب‌های اپوکریفایی هم وامدار عهد عتیق‌اند و هم در بستری شکل گرفته‌اند که یونانی‌مآبی بر آن حاکم بوده است.

بررسی هریک از کتاب‌های اپوکریفایی، گویای این تأثیرپذیری است. کتاب طوبیت، نخستین کتاب اپوکریفایی است. این کتاب دربرگیرنده داستان عبرت‌آموز پدری به نام «طوبیت» و پسرش «طوبیا» است که آشوریان پس از ویران کردن کشور اسرائیل قدیم در سال ۷۲۲ ق.م، آن دو را همراه گروهی دیگر به نینوا در شمال عراق بردند.

از استشهادهای کتاب طوبیت به کتاب‌های انبیای متأخر، روشن می‌شود که تألیف آن پس از

۱. در این عنوان منظور از تدین، یهودیت و منظور از تمدن، یونانی‌مآبی است.

بازگشت بنی اسرائیل از بابل بوده است. شباهت کتاب حاضر با کتاب حکمت یشوع بن سیراخ (در همین مجموعه) که در حدود سال ۱۹۰ ق.م نوشته شده است، این باور را تحکیم می‌بخشد که این کتاب نیز باید در همان سال‌ها تألیف شده باشد. مطالب این کتاب گویای این واقعیت است که نگارش کتاب متأثر از دوران بسیار سختی است که بر یهودیان رفته و نویسنده در تلاش است که با تقویت مسیح‌باوری، امید و نشاط را به زندگی این قوم بازگرداند. قهرمان داستان این کتاب، یعنی طوبیت نیز در اوج گرفتاری و اندوه، از پیشگویی‌های انبیای عهد عتیق تأثیر می‌پذیرد و خود را به آینده امیدوار می‌سازد.

در این کتاب آمده است هنگامی که طوبیت در نینوا اسیر بود، به فرزندان قومش که همراه او به نینوا آمده بودند، نیکی‌های فراوانی می‌کرد. همسر و فرزندش نیز در این شهر اسیر بودند. طوبیت با تمام وجود به یاد خدا بود. گرسنگان را غذا می‌داد؛ برهنگان را می‌پوشاند و هر مرده‌ای از فرزندان قومش را که می‌دید آن سوی دیوار نینوا افتاده است، به خاک می‌سپرد. جاسوسان پادشاه جنازه‌ها را جست‌وجو می‌کردند، ولی آنها را نمی‌یافتند. یکی از اهالی نینوا به پادشاه خبر داد که طوبیت جنازه‌ها را به خاک می‌سپارد. طوبیت از ترس کیفر مرگ، مخفی شد. آنگاه همه اموال وی را مصادره کردند و جز همسرش و پسرش طوبیا، کسی برای او باقی نماند. برادرزاده‌اش احیقار، که به دربار پادشاهی راه یافته بود، نزد پادشاه از طوبیت شفاعت کرد. پس او به نینوا بازگشت (طوبیت، ۱: ۳-۲۲).

وی پس از بازگشت به خانه، جشنی برپا کرد و از پسرش طوبیا خواست که نیازمندان را به سفره غذا دعوت کند. طوبیت پیش از آنکه لب به غذا بزند، برخاست و جنازه‌ای را که در شهر رها شده بود، آورد و آن را در اتاقی پنهان نمود تا پس از غروب آفتاب به خاک سپارد. پس از پنهان کردن جنازه، به خانه بازگشت، غسل (مس میت) کرد و غذایش را با اندوه خورد (طوبیت، ۲: ۱-۶). در این هنگام، که اوج فشارهای روحی بر طوبیت بود، پیش‌گویی عاموس را به یاد آورد که گفت: «و عیدهای شما را به ماتم و همه سرودهای شما را به مرثیه‌ها مبدل خواهم ساخت» (عاموس، ۸: ۱۰).

این تعبیرها از سوی انبیایی که کتاب‌های پیش‌گویی عهد عتیق به آنان منسوب است، اشاره به زمان ظهور مسیح‌های یهودیان است.

کتاب حکمت سلیمان، از دیگر کتاب‌های اپوکریفایی است که از ابتدا به یونانی تألیف شده است. برخی محققان بر این باورند که این کتاب نزدیک یک قرن پیش از میلاد در اسکندریه مصر نوشته شده است (ترجمه رسول زاده و باغبانی، ۱۳۸۳: ۱۱۸). اسکندریه، شهری

دانشگاهی بوده (اولیری، ۱۳۷۴: ۳۳) که اسکندر مقدونی برای تعلیم و آموزش فلسفه یونان در مصر پدید آورد. فرهنگ و تمدن یونانی در این دانشگاه تدریس می‌شد و به مرور زمان مرکزی برای ترویج یونانی‌مآبی شد. نویسنده این کتاب، که یک یهودی است، کوشیده است ایمان یهودیان را تقویت کند و آنان را به عصر آمدن مسیحا امیدوار سازد تا بتوانند در اجتماعی که بیشتر مردم بت می‌پرستند، دین‌دار زندگی کنند و به تدریج فرهنگ توحیدی خود را از دست ندهند و دچار استحاله فرهنگی یونانی نشوند. امید یادشده را می‌توان در بخش‌هایی از این کتاب که به نیکان و بدان و سرانجام آنان می‌پردازد، بیشتر مشاهده کرد.

کتاب یسوع بن سیراخ که از بزرگ‌ترین کتاب‌های اپوکریفایی است، با هدف مقابله با فرهنگ یونانی که پس از اسکندر کبیر گسترش فراوانی یافته بود، به نگارش درآمد. یونانی‌مآبی مانند فرهنگ‌های دیگر، تأثیر فراوانی بر یهود گذاشت. یسوع بن سیراخ که از این تأثیر نگران بود، به دفاع از آداب و رسوم دین یهود برخاست. کتاب وی در حدود سال ۱۹۰ ق.م به صورت اشعار دوبیتی به زبان عبری تدوین شد تا از طریق آن به تعلیم حکمت بپردازد و مردم را با شریعت خدا آشنا کند. سخن نخست مترجم این کتاب می‌رساند که یسوع متأثر از سنت یهودی بوده است. به گفته وی، یسوع بن سیراخ مدت‌ها احکام تورات، کتب انبیا و کتاب‌های پیشینیان را قرائت و سپس به نگارش این کتاب اقدام کرد. بنابراین، یسوع در پی آن است تا سنت یهودی را در قالب تعلیم حکمت به دیگران بیاموزد.

کتاب یسوع بن سیراخ نیز همچون برخی کتاب‌های دیگر اپوکریفایی در موضوع مسیح‌باوری، متأثر از پیش‌گویی‌های عهد عتیق از زبان انبیای بنی‌اسرائیل دارد. این کتاب پیش‌گویی خود درباره ایلیا را «در هشدارهای روزگار آینده نوشته شده است که تو خشم خداوند را پیش از انفجارش فرو می‌نشانی و قلب پدر را به سوی پسر باز می‌گردانی و صلح را میان فرزندان یعقوب برقرار می‌کنی. خوشا به حال کسی که تو را ببیند و در شوق تو بمیرد! ما نیز برای خود حیاتی خواهیم داشت» (یسوع بن سیراخ، ۴۸: ۱۰-۱۱) به کتاب ملاکی ارجاع می‌دهد: «اینک من ایلیای نبی را قبل از رسیدن روز عظیم و مهیب خداوند، نزد شما خواهم فرستاد؛ و او دل پدران را به سوی پسران و دل پسران را به سوی پدران خواهد برگردانید. مبادا بیایم و زمین را به لعنت بزنم» (ملاکی، ۴: ۵-۶). این کتاب برخی از فقرات دیگرش را «او در رؤیایی بزرگ، آخرالزمان را دید و به غمگینان در صهیون تسلی داد. از آنچه در روزگار آینده رخ خواهد داد، پرده برداشت و از روی داده‌های پنهان، پیش از وقوع خبر داد» (یسوع بن سیراخ، ۴۸: ۲۴) نیز به کتاب اشعیای عهد عتیق ارجاع می‌دهد:

تسلی دهید قوم مرا، تسلی دهید، خدای شما می‌گوید. سخنان دلاویز به اورشلیم گویید و او را ندا کنید که اجتهاد او تمام شده و گناه وی آمرزیده گردیده و از دست خداوند برای تمامی گناهانش دو چندان یافته است (اشعیا، ۴۰: ۱-۲).

کتاب باروک^۱ به دوست صمیمی و منشی ارمیای نبی منسوب است. این کتاب از حوادثی سخن می‌گوید که هنگام جلای بابل در سال ۵۸۷ ق.م رخ داد و باروک آن را برای کسانی که در اورشلیم باقی مانده بودند، فرستاده است (توفیقی، ۱۳۸۴: ۱۰۹). مطالب این کتاب به خوبی نشان می‌دهد که نویسنده در پی آن است تا یهودیان ساکن اورشلیم را با وعده آمدن موعود، به آیین خود دل‌گرم کند. وجود تفاوت‌های آشکار بین منقولات این کتاب و منقولات کتاب‌های تاریخی عهد عتیق درباره ویرانی اورشلیم و جلای بابل، انتساب این کتاب را به باروک، منشی ارمیا ضعیف می‌کند. تعیین زمان تدوین کتاب باروک، کار مشکلی است؛ زیرا بخش‌های گوناگون این کتاب در زمان‌های مختلف نگارش یافته است.

رساله ارمیا، از دیگر کتاب‌های اپوکریفایی است. ارمیا شش قرن پیش از میلاد زندگی می‌کرد و این نامه کوتاه را برای یهودیانی که در آستانه تبعید به بابل بودند، فرستاد. بسیاری معتقدند که نگارش رساله ارمیا، به قرن دوم پیش از میلاد بازمی‌گردد و برای یهودیانی که در انطاکیه، پایتخت سلوکیان می‌زیستند، فرستاده شده است. یهودیان انطاکیه در آن زمان، به سبب ایمان خویش مورد آزار بت‌پرستان قرار می‌گرفتند. این رساله از عجز و ناتوانی بت‌ها سخن می‌گوید و موحدان را به مبارزه با بت‌پرستی فرامی‌خواند. در برخی نسخه‌ها، رساله ارمیا به عنوان فصل ششم کتاب باروک آمده است.

در میان کتاب‌های عهد عتیق، کتاب دانیال در نوع خود بی‌نظیر است و همچون کتاب مکاشفه یوحنا در عهد جدید، صبغه مکاشفه‌ای دارد. متن عبری این کتاب، بخشی از کتاب مقدس رسمی است، ولی در نگارش یونانی آن، سه قطعه اپوکریفایی یافت می‌شود. اگرچه کتاب دانیال در ترجمه‌های کتاب مقدس در ضمن کتب انبیا قرار گرفته است، متأخرترین کتاب عهد عتیق به شمار می‌رود و تاریخ واقعی آن به حدود سال ۱۶۵ ق.م بازمی‌گردد (توفیقی، ۱۳۸۴: ۱۰۹).

دو کتاب دیگر اپوکریفایی، کتاب‌های اول و دوم مکابیان است. در زمان حاکمیت سلوکیان که جانشینان اسکندر مقدونی بودند، مردی یهودی به نام «متتیا» برای دفاع از شریعت

۱. «باروک» در عبری به معنای «مبارک» است.

یهودی در مقابل سلوکیان ایستاد. فرزندان وی نهضتی به راه انداختند که آن را فرزندان متتیا، یعنی یهودای مکابی و برادرانش رهبری کردند. کتاب اول مکابیان بیانگر تاریخ مبارزات آن قوم موحد با فرهنگ مهاجم یونانی بین سال‌های ۱۷۵-۱۳۴ ق.م است. سلوکیان فرهنگ یونانی را در قلمرو خویش ترویج می‌کردند. به گفته برخی نویسندگان، ایرانیان از نوادر مللی بودند که مغلوب تمدن یونان نشدند (جرج ولز، ۱۳۵۳: ۴۸۱). سلوکیان، بنی اسرائیل را واداشتند تا از شریعت خود دست بردارند و از آداب و رسوم یونانی پیروی کنند. یکتاپرستان آن قوم با مقاومت سرسختانه در برابر این تهاجم، حماسه‌های جاودانه آفریدند. نام نویسنده کتاب اول مکابیان مشخص نیست، ولی روشن است که این کتاب ابتدا به عبری نوشته شده و پس از ترجمه به یونانی، نسخه عبری آن از بین رفته است. تاریخ تدوین کتاب به حدود سال ۱۰۰ ق.م برمی‌گردد.

کتاب دوم مکابیان به موازات کتاب اول مکابیان است و حوادث سال‌های ۱۷۶-۱۶۱ ق.م را دربردارد. این کتاب از ابتدا به زبان یونانی نوشته شده و تاریخ نگارش آن به اوایل قرن دوم پیش از میلاد بازمی‌گردد. مطالب این کتاب نشان می‌دهد که دشمن برای از بین بردن استقلال سیاسی و دینی بنی اسرائیل تلاش فراوانی کرده است. کتاب دوم مکابیان توطئه‌های خطرناک آنتیوکس اپیفانوس، پادشاه سوریه بر ضد یهود و مقاومت سرسختانه برخی از یهودیان را به خوبی ترسیم کرده است.

بن‌مایه اندیشه مسیحا

اندیشه موعودباوری تقریباً در همه ادیان وجود دارد. این باور، همانند خود ادیان که خاستگاه‌های مختلفی دارند، بن‌مایه‌های گوناگونی می‌تواند داشته باشد. در ادامه این نوشتار، در پی آن هستیم تا بن‌مایه و خاستگاه اندیشه یادشده را در کتاب‌های اپوکریفایی بیابیم. مطالب و آموزه‌های این کتاب‌ها افزون بر این‌که متأثر از فرهنگ یونانی هستند، از عهد عتیق نیز تأثیر پذیرفته‌اند. کتاب‌های اپوکریفایی، مجموعه بزرگی از مسائل مختلف مورد ابتلای قوم یهود را گرد آورده که منعکس‌کننده آرمان‌ها و آرزوهای زمان پیدایش این کتاب‌هاست. پس از بررسی متون مقدس یهودیان، روشن می‌شود که بن‌مایه و خاستگاه‌های مسیح‌باوری قوم یهود برچند محور استوار است:

رهایی و نجات از محرومیت

یهودیان، تاریخ پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته‌اند. تاریخ این قوم پر است از حوادث و

خاطرات تلخی که از آوارگی و اسارت در کشورهای بیگانه حکایت می‌کند. قرآن کریم نیز به بخشی از این محرومیت‌ها اشاره کرده و ذلت و خواری آنان را در مصر ﴿وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ﴾ (بقره: ۴۹) و سرگردانی چهل ساله در صحرای سینا را یادآوری کرده است: ﴿قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ﴾ (مائده: ۲۶).

قوم یهود همواره می‌کوشیدند که دوران تیره و تار را پشت سر بگذارند و به آینده بهتری دست یابند که در آن رنجی نباشد. بر این اساس، امید در جانشان رسوخ یافت و به آرمانی مقدس تبدیل شد.

بنی اسرائیل به کامیابی‌هایی نیز دست می‌یافتند. پیروزی آنان بر ساکنان بومی کنعان به رهبری یوشع بن نون، پس از چهل سال سرگردانی در صحرای تیه (توفیقی، ۱۳۸۴: ۹۱)، یکی از این کامیابی‌ها به شمار می‌رود. با گذشت مدتی از این پیروزی‌ها، بار دیگر آرامش آنان به دست اقوام مهاجم از بین می‌رفت. پس از تسلط یوشع بر ارض موعود، داوران تا مدتی امنیت و آرامش را برای بنی اسرائیل به ارمغان آوردند (توفیقی، ۱۳۸۴: ۹۱-۹۲) و با مدیریت آنان، خطرات از سر این قوم گذشت.

با گسترش تهاجم اقوام بیگانه و ناتوانی داوران در ایجاد امنیت بنی اسرائیل، از سموئیل نبی خواستند تا پادشاهی برایشان برگزیند که در پرتو مدیریت او بتوانند در مقابل دشمنانشان بایستند. سموئیل یکی از داوران بود که با درخواست بنی اسرائیل و به امر خداوند، «شاؤل» (طلوت در قرآن کریم) را به پادشاهی برگزید: ﴿قَالَ لَهُمْ تَبِئْتُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَأَتَىٰ لَنَا الْمَلِكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمَلِكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره: ۲۴۷) و او را با روغن، مسح و تقدیس نمود (اول سموئیل، ۱۲: ۱) تا «مسیحا» باشد (جفری، ۱۳۷۲: ۳۸۲). شاؤل در کتاب مقدس، «مسیح خدا» خوانده شده: «... چون که او (شاؤل) مسیح خداوند است» (اول سموئیل، ۶: ۲۴)؛ اما برخی نسبت به وی تردید داشتند: «بعضی پسران بلیعال گفتند این شخص چگونه ما را برهاند و او را حقیر شمرده، هدیه برایش نیاوردند، اما او هیچ نگفت» (اول سموئیل، ۲۷: ۱۰).

داوود تنها کسی بود که توانست آرمان قوم یهود برای قیام یک منجی را برآورده کند. وی پادشاهی بود که برخی از انبیا و حکیمان نیز بر پادشاهی او اعتراف کردند: «و بعد از آن، بنی اسرائیل بازگشت نموده، بیهوه خدای خویش و پادشاه خود داوود را خواهند طلبید و در ایام

بازپسین به سوی خداوند و احسان او با ترس خواهند آمد» (هوشع، ۳: ۵)؛ و پادشاهی او را جاودانه دانستند: «... و ذریت تو را که از صلب تو بیرون آید، بعد از تو استوار خواهم ساخت و سلطنت او را پایدار خواهم ساخت» (دوم سموئیل، ۷: ۱۲). داوود نیز این باور را به پسرش سلیمان مژده داد: «و تا آن که خداوند کلامی را که درباره من فرموده و گفته است، برقرار دارد که اگر پسران تو راه خویش را حفظ نموده، به تمامی دل و به تمامی جان خود در حضور من به راستی سلوک نمایند، یقین که از تو کسی که بر کرسی اسرائیل بنشیند، مفقود نخواهد شد» (اول پادشاهان، ۲: ۴). ارمیای نبی نیز از سوگند خدا خبر می دهد که سلطنت وی را تا ابد استوار بدارد: «خداوند چنین می گوید: اگر عهد من با روز و شب نمی بود و قانون های آسمان و زمین را قرار نمی دادم، آنگاه نیز ذریت یعقوب و نسل بنده خود، داوود را ترک می نمودم و از ذریت او بر اولاد ابراهیم و اسحاق و یعقوب حاکمان نمی گرفتم؛ زیرا که اسیران ایشان را باز خواهم آورد و بر ایشان ترحم خواهم نمود» (ارمیا، ۳۳: ۲۵-۲۶).

از آن جا که یهودیان خود را برتر از دیگران می دانند و خویش را قوم برگزیده می پندارند (خروج، ۱۹: ۵-۶)، همین صفات زشت سبب شده است تا اقوام دیگر نیز واکنش نشان دهند و به ستیز با آنان پردازند و محرومیت هایی را بر آنان تحمیل کنند. دو نمونه از این واکنش ها را می توان در دو حادثه ویرانی قدس مشاهده کرد:

حضرت سلیمان علیه السلام در زمان زمام داری بر تپه اورشلیم، معبدی برای یهودیان بنا کرد که به «هیكل سلیمان» شهرت یافت. این معبد حدود شش قرن پیش از میلاد به دست بابلیان به رهبری «بخت نصر» ویران شد. با ویرانی اول قدس، اسارت در بابل به مدت هفتاد سال بر آنان تحمیل شد که کورش بنیان گذار سلسله هخامنشی به اسارت آنان خاتمه بخشید (عزرا، ۱-۲). پس از بازگشت بخشی از یهودیان به فلسطین و بازسازی معبد، همچنان ناآرامی و التهاب بر آنان حاکم بود تا سرانجام در سال ۷۰ میلادی، قدس برای بار دوم به دست تیتوس، سردار رومی ویران شد. پس از این ویرانی، یهودیان در سراسر جهان آواره و پراکنده شدند (توفیقی، ۱۳۸۴: ۹۸).

اقامت ذلت بار یهودیان مقیم کشورهای اروپایی در اماکن خاصی به نام «گتو»،^۱ نمونه ای دیگر از این واکنش هاست.

یهودیان در طول تاریخ پرنج خود، تمام این محنت ها را به این امید تحمل کرده اند که

1. Ghetto.

روزی موعودشان بیاید و آنان را نجات دهد و به فرمان‌روایی جهان برساند. یهودیان پیوسته به این موعود دل بسته‌اند و در نوشته‌های مقدس خود از او با واژه «مسیحا» نام می‌برند. این واژه از کلمه عبری «ماشیح» گرفته شده است. «ماشیح» (به معنای مسح شده) که با روغن انجام می‌شد (هاکس آمریکایی، ۱۳۷۷: ۸۰۲)، لقب پادشاهان قدیم بنی‌اسرائیل بوده است. با مرور زمان، این لقب به پادشاه آرمانی یهود اطلاق شد. کورش، سرسلسله پادشاهان هخامنشی ایران نیز زمانی به این عنوان خوانده شد «خداوند به مسیح خویش یعنی به کورش که دست راست او را گرفتیم...» (اشعیا، ۴۵: ۱).

براساس این خاستگاه، امید به سپری شدن دوران فشار و محنت، یهودیان را به مسیحایی بشارت می‌داد که بتواند آنان را نجات دهد و دوران داوود پادشاه را احیا کند: «در آن روز خیمه داوود را که افتاده است، برپا خواهیم نمود و شکاف‌هایش را مرمت خواهیم کرد و خرابی‌هایش را برپا نموده آن را مثل ایام سلف بنا خواهیم کرد» (عاموس، ۹: ۱۱). یهودیان سختی‌های گذشته را نقشه راه خود در کامیابی آینده می‌دانند و به این عبارت کتاب مقدس توجه ویژه‌ای دارند: «و اگرچه ابتدایت صغیر می‌بود، عاقبت تو بسیار رفیع می‌گردد» (ایوب، ۸: ۷).

این انتظار سبب شد که پیش‌گویی‌های فراوانی از این مسیحا ارائه شود و حتی تعداد قابل توجهی از کتاب‌های عهد عتیق (۱۷ کتاب) از نظر موضوعی به پیش‌گویی انبیا اختصاص یابد. این کتاب‌ها نشان می‌دهد که شخص مسیحا در اذهان بیشتر انبیا حاضر بود و آنان آتش شوق آمدن او را در دل‌ها روشن نگه می‌داشتند و به مردم بشارت می‌دادند که خدا به وسیله مسیحا جهان را مبارک می‌سازد.

در این میان کتاب دانیال وضعیت ویژه‌ای دارد و به صورت مکاشفه‌ای، حکایتگر سخنان پرشور و التهاب دانیال است. پیامبران دیگری مانند اشعیا نیز با سخنان پرحرارت خود، امید به ظهور منجی را پرفروغ ساخته‌اند و اجازه نداده‌اند روشنی آن به تاریکی گراید. این پیامبر الهی برای تقویت امید یادشده، ضمن وعده دادن به پایان یافتن رنج و بلا، از آفرینش آسمان و زمین جدید نیز سخن گفت: «زیرا اینک من آسمانی جدید و زمینی جدید خواهم آفرید و چیزهای پیشین به یاد نخواهد آمد و به خاطر نخواهد گذشت» (اشعیا، ۶۵: ۱۷). انبیا کوشیده‌اند مردم را آماده آن روزها سازند و با این امید قرن‌ها سختی، پراکندگی، اسارت و تحقیر را تحمل کنند.

گذر از این محنت‌ها، با امید به آمدن یک مسیحا امکان‌پذیر شد. مسیح‌باوری در بیشتر کتاب‌های اپوکریفایی نیز وجود دارد. کتاب‌هایی همچون: دوم مکابیان، باروک و حکمت سلیمان که تحت تأثیر تهاجم فرهنگی یونانیان نوشته شده‌اند. یسوع بن سیراخ در کتاب خود

درباره گردآمدن پراکندگان بنی اسرائیل و رهایی آنان از همه گرفتاری‌ها می‌نویسد: «اینک ای همه مردم، خدا را مبارك بخوانید. آن که در همه جا کارهای بزرگی انجام می‌دهد و پیش از تولد، ما را گرمی داشت و طبق رحمتش با ما رفتار کرد تا قلب‌هایمان را شاد کند و در روزگار ما و برای همیشه به قوم اسرائیل آرامش بخشد و رحمتش را همچنان بر ما باقی گذارد و ما را در روزگاران نجات دهد» (یشوع بن سیراخ، ۵۰: ۲۲-۲۴). سپس به مجازات اقوام بت‌پرست و فرمان‌روایان ایشان اشاره می‌کند: «خداوندا، ای خدای همه، به ما رحم کن و بنگر و ترس خود را بر دل همه بیگانگان بیفکن. دست‌هایت را بر ضد اقوام بیگانه بلند کن تا شکوه و جبروت تو را ببینند و همان‌طور که به وسیله ما قداست خود را به آنان نشان دادی، به وسیله آنان (یعنی با نابودی آنان) عظمت خویش را به ما نشان ده؛ تا آنان نیز همچون ما تو را بشناسند و بدانند که خدایی جز تو نیست» (یشوع بن سیراخ، ۳۶: ۱-۴) و بازسازی معبد و برقراری دوباره عبادت در آن را درخواست می‌کند: «خداوندا، به قومی که به نام تو خوانده شده است و به اسرائیلی که نخست‌زاده توست (خروج، ۴: ۲۲)، رحم کن. با شهر مقدست اورشلیم که برای استراحت برگزیده‌ای، مهربان باش. صهیون را با خبر شگفتی‌هایت و معبد را با مجد و شکوه خود پر کن» (یشوع بن سیراخ، ۳۶: ۱۱-۱۳). بنابراین باور وی، بنی اسرائیل به عنوان يك قوم «عمرآدمی کوتاه است، اما روزگار اسرائیل پایانی ندارد» (توفیقی، ۱۳۸۴: ۱۳۵) و خاندان داوود به عنوان شهپریان بنی اسرائیل، پایدار خواهند ماند.

با طولانی شدن ظهور موعود، امید یهودیان به یک آرمان و آرزو تبدیل شده است. البته در سراسر تاریخ یهود کسانی بوده‌اند که از این حربه استفاده ناصواب کرده و به عنوان موعود یهود برخاسته و خود را مسیحا نامیده‌اند. یکی از آنان، فرد پرشوری به نام موسی بود که چند قرن پیش از میلاد در جزیره «کرت» به پا خاست و خود را مسیحا خواند و یهودیان ساکن آن جزیره را مجذوب خود کرد. وی به یهودیان آن جا وعده داد که دریای مدیترانه را با معجزه خشک کند و آنان را برای تشکیل دولت مسیحایی به فلسطین ببرد؛ نتیجه این ادعا و اعتماد یهودیان، چیزی جز غرق شدن آنان نبود (توفیقی، ۱۳۸۴: ۱۳۵).

صهیونیست‌های یهودی برخلاف سنت انتظار، با تشکیل رژیم اشغالگر فلسطین در سال ۱۹۴۸ م کوشیدند تا اندکی از محنت‌ها و حقارت‌های قوم یهود بکاهند و آنان را از پراکندگی نجات دهند؛ اما نتوانستند از شور آنان برای انتظار مسیحا بکاهند. از دیدگاه اکثر یهودیان، تشکیل چنین دولتی نه تنها منافاتی با آرمان مسیحایی ندارد، زمینه‌های پیدایش عصر ظهور مسیحا را آماده‌تر می‌کند (گرینستون، ۱۳۷۷: ۱۷۱).

برگزیدگی

قوم یهود بر این باور است که خداوند بنی اسرائیل را از میان همه ملل، به عنوان قوم ویژه خود برگزیده است: «و اکنون اگر آواز مرا فی الحقیقه بشنوید و عهد مرا نگاه دارید، همانا خزانه خاص من از جمیع قوم‌ها خواهید بود؛ زیرا که تمامی جهان از آن من است و شما برای من مملکت کهنه و امت مقدس خواهید بود. این است آن سخنانی که به بنی اسرائیل می‌باید گفت» (خروج، ۱۹: ۵-۶).

از عهد عتیق چنین برمی‌آید که سرزمین فلسطین (کنعان) از هنگامی تقدس یافت که قرار شد قوم برگزیده خدا در آن سکونت یابد. خداوند با آبابی یهود یعنی ابراهیم، اسحاق و یعقوب علیهم‌السلام پیمان بست که سرزمین کنعان را به بنی اسرائیل عطا کند؛ سرزمینی که گستره آن از نهر مصر تا رود فرات را دربرمی‌گیرد: «... خداوند به ابرام گفت اکنون تو چشمان خود را برافراز و از مکانی که در آن هستی به سوی شمال و جنوب و مشرق و مغرب بنگر؛ زیرا تمام این زمین (کنعان) را که می‌بینی به تو و ذریت تو تا به ابد خواهیم بخشید» (پیدایش، ۱۳: ۱۴)؛ «در آن روز خداوند با ابرام عهد بست و گفت این زمین را از نهر مصر تا به نهر عظیم، یعنی نهر فرات به نسل تو بخشیده‌ام» (پیدایش، ۱۵: ۱۸).

براساس عهد عتیق، این پیمان پس از چند قرن بار دیگر در سینا با موسی علیه‌السلام و قومش بسته شد: «و خداوند به موسی گفت روانه شده از این‌جا کوچ کن تو و این قوم که از زمین مصر برآورده‌ای، بدان زمینی که برای ابراهیم، اسحاق و یعقوب قسم خورده، گفته‌ام آن را به ذریت تو عطا خواهیم کرد» (خروج، ۳۳: ۱). برپایه این وعده، خداوند متعهد شد که یهودیان را به تعداد ستارگان آسمان: «و او (ابراهیم) را بیرون آورده، گفت اکنون به سوی آسمان بنگر و ستارگان را بشمار، هرگاه آنها را توانی شمرد، پس به وی گفت ذریت تو چنین خواهد بود» (پیدایش، ۱۵: ۵) یا به اندازه غبار زمین: «و ذریت تو را مانند غبار زمین گردانم، چنان‌که اگر کسی غبار زمین را تواند شمرد، ذریت تو نیز شمرده شود» (پیدایش، ۱۳: ۱۶) بی‌شمار کند. گویا همه این وعده‌ها به این دلیل بود که بنی اسرائیل قوم برگزیده خداست.

برگزیده بودن قوم اسرائیل، در کتاب‌های اپوکریفایی نیز مورد توجه است. کتاب یشوع بن سیراخ، آشکارا بر این موضوع تأکید می‌کند: «اما خداوند رحمتش را دریغ نمی‌دارد، سخنی از سخنانش را از بین نمی‌برد و فرزندان برگزیده خود و نسل دوستدارش را نابود نمی‌کند. پس تباری برای یعقوب و ریشه‌ای برای داود باقی گذاشت» (یشوع بن سیراخ، ۴۷: ۲۲؛ نیز ر.ک: مزامیر، ۸۹: ۳۳-۳۷). براساس این کتاب‌ها اگر بنی اسرائیل در مقطعی از تاریخ خود به اسارت

درآید یا تحقیر شود، بار دیگر شکوه و عظمت به آن بازمی‌گردد؛ به گونه‌ای که دشمنانشان نابود و اسیر خواهند شد و بنی‌اسرائیل پای بر گردن ایشان، که دشمنان خدای یهود محسوب می‌شوند، خواهند گذاشت.

محوری بودن پادشاه

دوره پنجم از ادوار تاریخی قوم یهود، دوره پادشاهی است. دوره پیش از پادشاهی، یعنی دوره «داوران»، با داوری کسی به نام «سموئیل» پایان می‌یابد. مردم از وی می‌خواهند تا از خدا درخواست کند که از این پس برایشان پادشاهی نصب کند و آنان از او تبعیت کنند: «قوم از شنیدن قول سموئیل ابا نمودند و گفتند: نی، بلکه می‌باید بر ما پادشاهی باشد تا ما نیز مثل سایر امت‌ها باشیم و پادشاه ما بر ما داوری کند و پیش روی ما بیرون رفته در جنگ‌های ما برای ما بجنگد و سموئیل تمامی سخنان قوم را شنیده آنها را به سمع یهوه رسانید و یهوه به سموئیل گفت: آواز ایشان را بشنو و پادشاهی برایشان نصب نما» (اول سموئیل، ۸: ۱۹-۲۱). این درخواست در ابتدا به معنای نفی پادشاهی خداوند تلقی شد؛ زیرا در عهد عتیق از زبان خدا آمده است: «آواز قوم را در هرچه به تو گفتند بشنو؛ زیرا که تو را ترک نکردند، بلکه مرا ترک کردند تا برایشان پادشاهی ننمایم» (اول سموئیل، ۸: ۷). سموئیل طبق فرمان خدا ظرف روغن را به دست گرفت و آن را بر سر شاول ریخت، وی را بوسید و به پادشاهی نصب کرد (اول سموئیل، ۱۰: ۱). «سموئیل که محبوب خداوند و نبی او بود، پادشاهی را بنا و حاکمانی را برای قومش مسح کرد» (یشوع بن سیراخ، ۴۶: ۱۳).

دوره پادشاهی با شاول آغاز شد. داوود و سلیمان، آن دوره را با نصب الهی ادامه دادند و پس از سلیمان، دولت یک‌پارچه بنی‌اسرائیل تجزیه شد و دست‌کم دو نفر، یعنی رحبعام، پسر سلیمان و یربعام، یکی از استناداران او ادعای پادشاهی کردند. نهاد پادشاهی به مرور زمان نقش محوری پیدا کرد و یهودیان در سایه آن در جست‌وجوی یک نجات‌بخش بودند؛ نجات‌بخشی که اندکی فراتر از بقیه انسان‌ها بود و با واژه‌های خداوند یا خداوندگار خطاب می‌شد. در ابتدا پادشاهانی که با روغن مقدس مسح می‌شدند، ماشیح نامیده شدند، اما به مرور زمان به کسانی داده شد که امید نجات‌بخشی از آنان می‌رفت؛ نجاتی که حاکمیت بنی‌اسرائیل را تضمین کند. بدین‌سان، مفهوم پادشاهی در قالب ماشیح، پیوسته به آینده مرتبط شد و یهودیان در پی تحقق حاکمیت مذکور، همواره آن را به آینده موکول کردند و در حسرت پادشاهی هستند که اقتدار زمان داوود را پدید آورد.

از دیدگاه مجموعه کتاب‌های اپوکریفایی، تنها پادشاه است که می‌تواند این آرزو را محقق

سازد و آینده درخشان یهودیان را رقم زند: «ای اورشلیم، ای شهر مقدس، خداوند، خدا تو را بر گناهانت کیفر داد و بار دیگر بر پارسایان تو مهر می‌ورزد. پس شکرگزار نعمت خدا باش و پادشاه روزگار را مبارك خوان تا بازگردد و مسکن خود را در تو بنا کند» (طوبیت، ۱۳: ۱۰-۱۱).

محوری بودن اورشلیم

این اندیشه که مسیحا قوم یهود را در برابر دشمنان بیگانه حفظ کند، به مرور زمان متحول و به انتظار قیام پادشاهی بزرگ و شکوهمند از خاندان داوود، مبدل شد. براساس باور جدید، به فرمان الهی و با دمیده شدن روح خدا در مسیحا، باید حکومت شایسته‌ای بر ارض موعود یعنی تپه صهیون و اورشلیم ایجاد شود. آن سرزمین در همه جهان نمونه خواهد شد و ملت‌ها برای آموختن به آن جا رهسپار خواهند گردید (باروک، ۵).

سیمای اورشلیم در کتاب‌های عهد عتیق و اپوکریفا، با جلال و شکوه بیان شده است. این شهر در اوج شکوه ساخته خواهد شد: «ای رنجانیده و مضطرب شده که تسلی نیافته‌ای، اینک من سنگ‌های تو را در سنگ سرمه نصب خواهم کرد و بنیاد تو را در یاقوت زرد خواهم نهاد و مناره‌های تو را از لعل و دروازه‌هایت را از سنگ‌های بهرمان و تمامی حدود تو را از سنگ‌های گران‌قیمت خواهم ساخت» (اشعیا، ۵۴: ۱۱-۱۲)؛ و افتخار جاویدان و سرور همه نسل‌ها خواهد بود: «به عوض آن‌که تو متروک و مبعوض بودی و کسی از میان تو گذر نمی‌کرد، من تو را فخر جاودانی و سرور دهرهای بسیار خواهم گردانید» (اشعیا، ۶۰: ۱۵)؛ و همه بشر به آن جا خواهند آمد تا در حضور خدا سجده کنند: «و خداوند می‌گوید که از غره ماه تا غره دیگر و از سبت تا سبت دیگر، تمامی بشر خواهند آمد تا به حضور من سجده نمایند» (اشعیا، ۶۶: ۲۳).

طوبیت، نخستین کتاب اپوکریفایی درباره آینده اورشلیم می‌نویسد:

ای اورشلیم، ای شهر مقدس، خداوند تو را بر گناهانت کیفر داد و بار دیگر بر پارسایان تو مهر می‌ورزد. پس شکرگزار نعمت خدا باش و پادشاه روزگار را مبارك خوان تا بازگردد و مسکن خود را در تو بنا کند. همه اسیران به سویت باز می‌گردند و بیچارگان در تو تسلی می‌یابند. امت‌ها از دورترین نقاط به زیارت تو می‌آیند و با قربانی‌های خود برای خداوند سجده می‌کنند. پادشاه آسمان و نسل‌ها با شادی بسیار تو را بزرگ می‌شمارند. امت‌ها از دورترین نقاط به زیارت تو می‌آیند و با قربانی‌های خود برای خداوند سجده می‌کنند. پادشاه آسمان و نسل‌ها با شادی بسیار تو را بزرگ می‌شمارند. ملعون باد هرکه از تو بیزار است و مبارك باد هرکه تو را دوست دارد. از فرزندان درست‌کارت شاد باش؛ زیرا آنان به زودی بازمی‌گردند و خدا را مبارك می‌خوانند. خوشا به حال کسانی که تو را دوست دارند؛ زیرا آنان به زودی از سلامت تو شاد خواهند شد.

خوشا به حال کسی که از کیفر تو اندوهگین شد؛ زیرا آنگاه که عظمت تو را ببینند، تا ابد شاد می شوند. ای جان من، خداوند را مبارك بخوان، تا شکوه اورشليم را ببینم؛ زیرا به زودی از یاقوت، زمرد و سنگی گران بها بنا می شود و دیوارها و برج هایش را از طلا و بازارهایش را از مرمر سفید می سازند. خیابان هایش سرود هیلویاه (لفظی عبری به معنای «خدا را ستایش کنید») می سرایند. مبارك باد خداوندی که آن را برای همیشه بزرگ شمرد (طوبیت، ۱۳: ۱۰-۱۸).

باروک، یکی دیگر از کتاب های اپوکریفایی است. این کتاب درباره اورشليم چنین می نویسد: «آنگاه شما را به سرزمینی که سوگند یاد کردم به پدرانتان ابراهیم، اسحاق و یعقوب ببخشم، باز می گردانم و شما را برآن مسلط می کنم و جمعیتتان را برای همیشه افزایش می دهم. با شما پیمانی ناگسستنی می بندم. پس من برای شما خداوند هستم و شما قوم من هستید و از آن پس هیچ گاه بنی اسرائیل را از سرزمینی که به آنان بخشیدم، نخواهم راند.» (باروک، ۲: ۳۴-۳۵) و در ادامه چنین می نویسد:

فرزندانم، بر غضبی که از سوی خداوند بر شما فرود آمده است، صبر و پایداری ورزید. گرچه دشمنان، شما را شکنجه می کنند، اما به زودی نابودی و اسارت آنان را خواهید دید و پای برگردن آنان خواهید گذاشت؛ زیرا فرزندانم راه های سختی را پیمودند و همچون گوسفندانی که دشمن آنها را می دزدد، ربوده شدند. پسرانم، دلیر باشید و از خدا کمک بخواهید. آن که این بلاها را بر شما فرستاد، به زودی از شما یاد خواهد کرد. آن گونه که روزی تصمیم گرفتید از او روی برتابید، اکنون ده ها مرتبه به سوی او التماس کنید. او که بر شما بلا نازل کرد، اینک رهایتان می کند و شادی و سرور را به شما ارزانی می دارد. ای اورشليم، دلیر باش. خدایی که تو را به این نام خواند، به زودی به تو تسلیم می دهد (باروک، ۴: ۲۵-۳۰).

در کتاب اپوکریفایی باروک، خود شهر اورشليم زبان به شکایت می گشاید و چنین می گوید: فرزندانم، بشتابید، حرکت کنید؛ زیرا من تك و تنها مانده ام. لباس شادی را از تن افکندم و جامه غم پوشیدم و پیوسته به سوی خداوند می نالم. پسرانم، دلیر باشید و از خدا کمک بخواهید، که او شما را از چنگال دشمنانتان رهایی خواهد بخشید. به نجات شما از دست خدای ازلی امید بسته ام. شادی من به سبب رحمتی است که به زودی از سوی او بر شما فرود می آید و رهایتان می کند. شما را با غم و غصه ترك کردم، اما به زودی خداوند شما را با شادی و سرور برای همیشه به من باز می گرداند (باروک، ۴: ۱۹-۲۳).

این فقرات، شبیه فقراتی از کتاب ارمیای عهد عتیق است:

و ایشان آمده بر بلندی صهیون خواهند سرائید و نزد احسان خداوند یعنی نزد غله و شیر و روغن و نتاج گله و رمه روان خواهند شد و جان ایشان مثل باغ سیراب خواهد شد و بار دیگر هرگز غمگین نخواهند گشت. آن‌گاه باکره‌ها به رقص، شادی خواهند کرد و جوانان و پیران با یک‌دیگر؛ زیرا که من ماتم ایشان را به شادمانی مبدل خواهم کرد و ایشان را از المی که کشیده‌اند، تسلی داده فرحناک خواهم گردانید (ارمیا، ۳۱: ۱۲-۱۳).

باروک هنگامی که می‌خواهد به ساکنان اورشلیم تسلی دهد، پیش‌گویی‌های انبیای عهد عتیق را به یاد می‌آورد (ترجمه رسول‌زاده و باغبانی، ۱۳۸۳: ۳۱۵) و از زبان اورشلیم چنین سخن می‌گوید:

ای اورشلیم، جامه حزن و فلاکت را از تن بیرون کن و برای همیشه لباس مجد و عظمتی را که خداوند به تو ارزانی می‌دارد، بپوش. خود را به ردای نیکی که از سوی خداست، بیازا و تاج مجد ازلی را بر سر بنه.^۱

به زودی خداوند شکوه تو را برای تمام کسانی که در زیر این آسمان زندگی می‌کنند، آشکار می‌کند. او پیوسته نامت را سلامت راستین و شکوه پرهیزکاران خواهد خواند.^۲

ای اورشلیم، برخیز. بر بلندی‌ها بایست و به سوی مشرق نگاه کن. فرزندان را بنگر که چگونه همه با شادی به یاد خدا غرب تا شرق را از نام قدوس پرکرده‌اند. فرزندان را با پای پیاده از تو جدا کردند. دشمن آنان را برد، اما خداوند آنان را بار دیگر با احترام و شکوه به تو بازمی‌گرداند؛ زیرا خداوند تصمیم دارد هر کوه، تپه و بیابانی را برای بنی اسرائیل رام کند تا آنان با شکوه و آرامش در آن زندگی کنند.^۳

همچنین به فرمان خدا هر درخت خوش‌بویی بر اسرائیل سایه خواهد افکند؛ زیرا خداوند به زودی با رحمت و نیکی خویش قوم اسرائیل را با شادی و شکوه هدایت خواهد کرد (باروک، ۵: ۱-۹).

شبهه عبارات اپوکریفایی را از زبان اشعیای نبی درباره اورشلیم می‌توان یافت:

۱. اشاره به فقراتی از کتاب اشعیای نبی: «بیدار شو ای صهیون، بیدار شو و قوت خود را بپوش. ای شهر مقدس اورشلیم، لباس زیبای خویش را در بر کن؛ زیرا که نامختون و ناپاک بار دیگر داخل تو نخواهد شد» (اشعیای، ۱: ۵۲).
۲. اشاره به فقراتی از کتاب ارمیای نبی: «در آن هنگام یهودا نجات خواهد یافت و اورشلیم به امنیت مسکون خواهد شد و اسمی که به آن نامیده می‌شود، این است: بیهوه صدقینو [خداوند عدالت ما]» (ارمیا، ۳۳: ۱۶).
۳. اشاره به فقراتی از کتاب اشعیای: «هر دره برافراشته و هر کوه و تلی پست خواهد شد و کجی‌ها راست و ناهمواری‌ها هموار خواهد گردید» (اشعیای، ۴۰: ۴).

برخیز و درخشان شو؛ زیرا نور تو آمده و جلال خداوند بر تو طالع گردیده است؛ زیرا اینک تاریکی جهان را و ظلمت غلیظ طوایف را خواهد پوشانید. اما خداوند بر تو طلوع خواهد نمود و جلال وی بر تو ظاهر خواهد شد. و امت‌ها به سوی نور تو و پادشاهان به سوی درخشندگی طلوع تو خواهند آمد. (اشعیا، ۶۰: ۱-۳)

عهد عتیق مانند این جملات را از زبان زکریای نبی نیز نقل می‌کند:
و یهوه بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود در آن روز یهوه واحد خواهد بود و اسم او واحد... و در آن ساکن خواهند شد و دیگر لعنت نخواهد بود و اورشلیم به امنیت مسکون خواهد شد (زکریا، ۱۴: ۹-۱۱).

نتیجه‌گیری

کتاب‌های اپوکریفایی در حدود سه قرن، منبعی معتبر برای برخی یهودیان بوده است. این زمان از دو و نیم قرن پیش از میلاد که ترجمه سبعینیه پدید آمد، آغاز و تا حدود سال ۱۰۰ میلادی که همه یهودیان بر عدم حجیت این کتاب‌ها در شهر یاونه اجماع کردند، ادامه داشت. بن‌مایه‌های مسیحاباوری قوم یهود را در سه محور: رهایی و نجات از محرومیت؛ برگزیدگی بنی اسرائیل؛ و محوریت اورشلیم می‌توان جست‌وجو کرد. با بررسی کتاب‌های اپوکریفایی، درمی‌یابیم که بن‌مایه اندیشه مسیحاباوری این کتاب‌ها، بیشتر بر محور سوم استوار است. به عبارت دیگر، موعودباوری یهود بر وقوع امری سیاسی، اجتماعی و معنوی در شهری به نام اورشلیم استوار است تا بر موعود شخصی.

کتاب‌های اپوکریفایی به ویژگی‌ها و صفات یک منجی خاص با مشخصات فردی و ذکر نام، نسب، زمان و مکان ظهور، پرداخته‌اند. حتی در کتاب یشوع بن سیراخ، به عنوان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین کتاب مجموعه اپوکریفایی، درباره یک مسیحا و حتی یک پادشاهی مسیحایی به عنوان یک شخص، اندیشه مشخصی وجود ندارد (گرینستون، ۱۳۷۷: ۳۸). در این کتاب‌ها بیشتر به وضعیت سیاسی، اجتماعی و معنوی جامعه و مکانی که قرار است مسیحا در آن ظهور کند، پرداخته شده است.^۱ این مکان نیز جایی غیر از اورشلیم نیست. بنابراین، عمده مطالب کتاب‌های اپوکریفایی در آموزه مسیحاباوری، بر محوریت شهر اورشلیم استوار است. از مسیحاباوری کتاب‌های اپوکریفایی برداشت می‌شود که ظهور موعود، اراده خدا را بر زمین

۱. برخی ادیان در موضوع مسیحاباوری، به انسانی خاص با ذکر نام و نسب و ویژگی‌های فردی و برخی دیگر، تنها به صفات و ویژگی‌های آن موعود با حسب و نسب کلی پرداخته‌اند. در نوع اول، موعود در یک شخص تعین دارد و در نوع دوم، هر کس که آن صفات و ویژگی‌ها را به دست آورد، منجی موعود خواهد بود.

محقق می‌کند و این اراده چیزی جز سلطنت قوم برگزیده خدا بر اورشلیم نیست. در این باور، قوم و ملت یهود به عدالت، امنیت و رفاه در اورشلیم می‌رسد و می‌تواند آنها را از آن جا به مناطق دیگر دنیا سرایت دهد؛ به گونه‌ای که دستیابی دیگر ملت‌ها به آسایش و آرامش نیز در سایه سلطه قوم برگزیده بر این شهر است.

منابع

- اپوکریفای عهد عتیق (۱۳۸۳ش)، ترجمه عباس رسول زاده و جواد باغبانی، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- اولیری، دلیسی (۱۳۷۴ش)، *انتقال علوم یونانی به عالم اسلام*، ترجمه احمد آرام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- بستانی، بطرس (بی تا)، *دایرة المعارف*، بیروت، دارالمعرفة.
- بی.ناس، جان (۱۳۷۰ش)، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه حکمت، تهران، انقلاب اسلامی.
- پیترز، اف.ئی (۱۳۸۴ش)، *یهودیت، مسیحیت و اسلام*، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- توفیقی، حسین (۱۳۸۴ش)، *آشنایی با ادیان بزرگ*، تهران، سمت.
- جرج ولز، هربرت (۱۳۵۳ش)، *کلیات تاریخ*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، علمی فرهنگی.
- جفری، آرتور (۱۳۷۲ش)، *واژه‌های دخیل در قرآن مجید*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، انتشارات توس.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸ش)، *گونه‌شناسی اندیشه منجمی موعود در ادیان*، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- دورانت، ویل و آریل (۱۳۷۱ش)، *تاریخ تمدن*، ترجمه گروهی از مترجمان، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹ش)، *در قلمرو وجدان*، تهران، انتشارات علمی.
- کتاب مقدس (۲۰۰۲م)، ترجمه دکتر بروس، انجمن پخش کتب مقدسه.
- کهن، راب (۱۳۵۰ش)، *گنجینه‌ای از تلمود*، ترجمه امیر فریدون گرگانی، تهران، چاپ زیبا.
- گرینستون، جولیس (۱۳۷۷ش)، *انتظار مسیحا در آیین یهود*، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- محمدیان، بهرام (۱۳۸۱ش)، *دایرة المعارف کتاب مقدس*، تهران، انتشارات سرخدار.
- مسیری، عبدالوهاب (۱۳۸۳ش)، *دائرة المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم*، تهران، ترجمه مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های تاریخ خاورمیانه.
- مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۰ش)، *دائرة المعارف فارسی*، تهران، امیر کبیر، کتاب‌های جیبی.
- هاکس آمریکایی (۱۳۷۷ش)، *قاموس کتاب مقدس*، تهران، انتشارات اساطیر.
- Edited by John R. Kohlenberger III, *The Parallel Apocrypha*- Oxford university Press.
- Mircea Eliad (1987), *The Encyclopedia of Religion*, (ed.), Macmillan, 16 vols.